

آینه

روزنامه

راه تازه آزادی خواهی

محمد قوچانی

دیدگاه‌های علی مطهری بیش از آنکه نشانه یک موضع شخصی باشد نشانگر تحولات در یک دیدگاه اجتماعی است؛ محافظه‌کارانی که آزادخواه می‌شوند.آیا علی مطهری مردی متناقض است؟ آیا اینکه اصولگراست و از هر اصلاح‌طلبی در مجلس اصلاح‌طلبانه‌تر سخن می‌گوید، یک تناقض است؟ آیا اینکه همزمان با خواست آزادی‌های سیاسی از افزایش نظارت‌های اخلاقی دفاع می‌کند، یک تناقض است؟ چگونه می‌توان هم بر سایورت‌پوشان تاخت و هم بر دلوایسان؟ حس بسیاری از اصلاح‌طلبان- به‌خصوص در بدنه اجتماعی ایشان- نسبت به علی مطهری حسّی دوگانه است. آنان از یک‌سو نمی‌توانند آزادخواهی سیاسی علی مطهری را نادیده بگیرند و از سوی دیگر نمی‌توانند گرایش او به سنت‌گرایی مذهبی را هضم کنند، اما واقعیت این است که تناقض در خود این دوستان است، نه علی مطهری؛ در واقع علی مطهری چون حسن روحانی، نمودی از پتانسیل‌های مغفول در جناح راست است که جناح چپ با انحصار آزادخواهی در خویش آن را نادیده گرفته و بدنه خود را از توجه به راه‌های دیگر آزادخواهی محروم کرده است؛ راه‌هایی که گاه از چپگرایی به سوی آزادخواهی هموارتر است.

انتقاد

سرمقاله
اتفاق تاسف‌بار در مجلس غلامحسین کرباسچی

اتفاق دیروز در مجلس‌شورای اسلامی یک اتفاق غیرمنتظره نبود، پیش از این نیز در مجلس رفتارهایی از این دست صورت گرفته بود که واقعا جای تاسف دارد. در مجلسی که صبح آن روز، خشونت در یک جای دیگر دنیا را محکوم می‌کند چنین خشونی، با شخصیتی همچون علی مطهری که خود و خانواده‌اش برای همگان شناخته‌شده است، صورت می‌گیرد. عده‌ای هنوز به‌دنبال توهین و بدویاره‌گفتن هستند و در تلاشند تا از این راه، خود را از زیر بار عذاب وجدانی که در نتیجه حمایت‌های بی‌دریغ‌شان از دولت سابق به وجود آمده رهایی دهند. اما این موضوع در حافظه ملت مانده است و بعید می‌دانم کسی بتواند اتفاقات به وجود آمده در سال‌های اخیر را فراموش کند. در سال‌های اخیر با هزینه از امام زمان و مقدسات تلاش کرده‌اند تا عملکرد خود را به‌گونه‌ای دیگر جلوه دهند اما می‌بینیم که چه در عرصه اقتصادی و چه در عرصه بین‌المللی چه اتفاقی در کشور افتاده است... باز هم تکرار می‌کنم که این رفتارها نتیجه تلاش برخی چهره‌ها برای فراموش‌کردن حمایت‌های‌شان از دولت سابق است.

کیم‌ان

ملهله قاتلان استاد

حسین شریعتمداری

... آقای علی مطهری، همان نماینده یادشده

از تریسون مجلس و برای چندمین‌بار اعلام کرد که حصر سران فتنه بدون حکم قضایی بوده و غیرقانونی است! آیا سران فتنه فقط به‌خاطر بخش اندکی از این همه جنایت، مستحق چندین‌بار اعدام نیستند؟ ضمن آنکه قانونی‌بودن شورایعالی امنیت‌ملی و ضرورت اجرای تصمیمات آن در قانون اساسی تصریح شده است و رییس قوه قضائیه که بالاترین مقام قضایی است از جمله اعضای این شورا می‌باشد. که حصر سران فتنه بدون حکم قضایی بوده و غیرقانونی است! و این واقعیت ملموس را نادیده گرفت که سران فتنه آمریکایی اسرائیلی ۸۸ به‌گواهی صدها سند غیرقابل انکار تحت مدیریت مستقیم مثلث آمریکا، اسرائیل و انگلیس و با هدف براندازی نظام دست به جتن‌فروشی و جنایت زده‌اند و جرایم و جنایات مشهودی نظیر ادعای تقلب در انتخابات - فرمول دیکته‌شده جرج سوروس صهیونیست به خاتمی و دست‌ورالعمل آشکار ریچارد رورتی به فتنه‌گران- دریافت کمک مالی کلان از ملک‌عبدالله سعودی و چند کشور اروپایی، حمایت آشکار از اسرائیل و آمریکا، قتل مردم کوچه و بازار، آتش‌زدن مسجد، آشوب خیابانی، اهانت به ساحت مقدس عاشورای حسینی(ع)، سنگباران نمازگزاران عاشورا، پاره و لگدمال‌کردن عکس مبارک حضرت امام(ره)، اعلام آشکار مبارزه با نظام اسلامی - شعار انتخابات بهانه است، اصل نظام نشانه است- و ده‌ها جنایت دیگر فقط بخشی از جرم غیرقابل اغماض آنان است... رسانه‌ها و محافل بیگانه و ضدانقلابیون وابسته به آنها بدون استناد در نقل‌قول از ایشان تاکید می‌کنند، آقای علی مطهری فرزند آیت‌الله مطهری و به‌سختی می‌توان حتی یک نمونه را یافت که قید یادشده را نداشته باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت‌که جناب علی مطهری بدون انتساب به پدربزرگوار و شهید‌شان نزد رسانه‌ها و محافلی که برای ایشان کف و سوت می‌زنند، اهمیتی ندارد. و باید از ایشان پرسید که اولاً؛ دیدگاه‌ها و نظرات وی چه نسبتی با دیدگاه‌ها و نظرات استاد شهید دارد ثانیاً؛ اگر انتساب نسبی وی با استاد شهید نادیده گرفته شود، چه باقی می‌ماند؟! ... آیا جناب ایشان به این نکته توجه کرده است که چرا قاتلان استاد شهید مطهری، از اظهارات وی ذوق‌زده شده و برایش کف می‌زنند!؟

سیاست

سرخنگوی حزب نزدیک به حسن روحانی در گفت‌وگوبا «شرق»:

رفتار حساب‌شده اصلاح‌طلبان، نمره بالایی می‌گیرد

حامد طبیبی



حامد طبیبی، رئیس هیئت مدیره مجلس

و امنیت‌گرایی آغاز شد. تجزیه‌طلبی در کردستان و سفر دکترچمران به پاهو، واقعه ترکمن‌صحرا و ترورهای ناجوانمردانه و میتینگ‌های گروه‌های سیاسی فضای ناامنی شدیدی ایجاد کرد.

۴ **با این‌حال در همان سال۶۵، مجمع روحانیون مبارز شکل گرفت و انتخابات مجلس‌سوم، رقابتی برگزار شد. پس از آن اگرچه به دلیل برخی اتفاقات، جناح چپ خود را از صحنه سیاسی کنار کشید، اما در دهه۷۰ و انتخابات مجلس‌پنجم، چهره‌های شاخص چپ در کنار کارگزاران تازه‌متولدشده، فعالیت سیاسی را ادامه دادند. به نظر می‌رسد حتی در آن دوره، فضا با امروز تفاوت‌هایی داشت.**

بله، فعالیت‌سیاسی صورت می‌گرفت. آن فضا باعث شد تا باردیگر اختلاف سلیقه‌ها خود را بروز دهد و سیدمحمد خاتمی با رای حدود سه‌برابری به‌نسبت ناطق نوری، به پیروزی برسد. بازهم پرونده آزادخواهی به شکلی باز می‌شود و مطبوعاتی داریم که بحث‌های مختلفی

که کمتر امکان پرداختن داشتند را مطرح می‌کنند. اما در سه‌سال اول دوران اصلاحات اتفاقاتی رخ می‌دهد که برای امروز ما باید عبرت‌آموز باشد. جریانی خاص سعی کرد تا شعار درست جامعه مدنی را تقاضای لیبرالیزه‌کردن انقلاب معرفی کند و نوعی فضای خاص را دامن بزند. فضا آرام‌آرام به این‌سمت رفت که بازهم در برابر آن دوگانه قرار

گرفت! آمدن محمود احمدی‌نژاد و هشت‌سالی که شرایط خاص خود را داشت و به حاشیه‌رفتن گفتمان‌های سیاسی دنبال شد، محصول همین نگاه است. اما بازهم با وجود همه اتفاقات، مردم در مقطع انتخابات سال۹۲ به سوی کاندیدایی اقبال نشان دادند که همان گروه‌های سیاسی‌ای که آزادی و امنیت را در کنار هم می‌دانند، به مردم معرفی کرده بودند؛ کاندیدایی که در شعارهای خود، بر اهمیت فعالیت سیاسی و از بین‌رفتن فضای امنیتی تاکید می‌کرد. در سیاست خارجی، مسایل فرهنگی و دانشگاهی، آزاداندیش نبود. در این شرایط، و مسؤولیت اصلاح‌طلبان که بدنه اصلی حامیان آزادیخواهان را ختم کرد و پس از آن به ظاهر با امنیت ۲۵ساله پهلوی‌دوم مواجه هستیم. ساواک در سال۳۴ تاسیس شد و به اسم ایجاد امنیت، کمترین آزادخواهی را تحمل نمی‌کرد. جلسات روشنفکران، نشست‌های مذهبی و حتی جلسات حسنیه ارشاد به تعلیق درآمد و بسیاری کتاب‌ها به اسم امنیت، امکان انتشار نداشت. این فضا باعث انقلاب بزرگ دیگری به نام انقلاب اسلامی در سال۵۷ شد. مطالبات انباشته‌شده طیف‌های مختلف چپ، لیبرال، مذهبی و ملی ناگهان سر باز کرد و به سبب اتفاقات سه‌سال ابتدای انقلاب، باردیگر فضا تغییر کرد. اگر به انتخابات مجلس‌اول در سال۵۸ بنگریم، با بالاترین سطح آزادی برگزار شد و اما بازهم ندعای بین دوگفتنامی آزادخواهی

۴ **این دغدغه شما به عنوان عضو شورای مرکزی و سرخنگوی اعتدال و توسعه، قابل درک است. اما اینجا یک پارادوکس پدید می‌آید. یک همایش حزبی با مجوزهای قانونی برگزار می‌شود اما افرادی آن روز، برخی تندروها خواستار انحلال آن می‌شوند. اصلاح‌طلبان به دنبال تعامل در «خانه احزاب» هستند، اما عده‌ای به دلیل اینکه می‌دانند برای حضور در شورای مرکزی رای نمی‌آورند، در روبه‌ای خلاف عرف سیاسی و ضوابط تشکیل نهاد منفی**

حزبی، می‌گویند نباید این خانه باز شود. این یعنی جدال‌های کار سیاسی برای جریان حامی دولت فراهم نیست و در جریان مقابل دولت، منعی برای هرنوع فعالیت علیه دولت وجود ندارد.

اصلاح‌طلبان این‌بار بسیار باتدبیر عمل می‌کنند. در این یک‌سال گذشته به‌ویژه در حوزه تخصصی شما یعنی رسانه، حرکت‌ها آنقدر حساب‌شده بوده که اساساً مقایسه با فضای پس از دوم‌خرداد نیست و در حوزه سیاسی هم، اصلاح‌طلبان از حیث رفتار حساب‌شده، نمره بالایی می‌گیرند و تحسین‌برانگیز عمل کرده‌اند. آنها توانسته‌اند جریان مقابل را خلع‌سلاح کنند و مانع این شوند که طرف مقابل بازهم تقابل آزادخواهی و امنیت را تبلیغ کند. اما برای چه می‌گوییم دوقطبی کاذب؟ امنیت واقعی زمانی ایجاد می‌شود که آزادی مسؤولانه هم وجود داشته باشد. کاری که فعالان سیاسی و دانشگاهی هر عهده دارند، این است که با وجود

محدودیت‌هایی که در اختیار دولت نیست، به آگاهی‌بخشی ادامه دهند. روزنامه‌نگاران ضمن اینکه تاکتیک‌های سیاسی رقیب را افشا می‌کنند، دستاوردهای دولت روحانی را که امنیت‌زاست نه امنیت‌زدا، تبیین کنند. سیاست خارجی که مورد تایید مقام‌عظم‌رهبری است، توانسته وضعیت امنیت بین‌الملل ایران را ارتقا دهد و ثبات در فضای اقتصادی کشور ایجاد کند. شریازه اقتصاد کشور

در حال از هم‌پاشیده‌شدن بود و منطق تحریم‌های ظالمانه این‌دو که ایران از ۸۰۰هزارریشه‌که به ۴۰۰هزارریشهک برسد و سپس «عراقیزه» شود؛ یعنی برنامه‌ای مانند نفت در برابر غذا و دارو، با فشل الهی، تدبیر مردم و نظام در انتخابات خرداد۹۲ ورق برگشت. به تعاملاتی‌که با جهان داریم مردم شاهد آن هستند که وزرا و روسای اروپایی تا رئیس‌جمهور و وزیر‌چاره آمریکا در مقابل منطق رییس‌جمهور ایران، ناچار به حمایت هستند. جریان همسوی اعتدال- اصلاحات به شکلی عمل کرده که اصولگرایان ریشه‌دار که با بازار نسبت دارند، به‌خوبی احساس می‌کنند همه‌چیز رو به بهبود است و از دولت حمایت می‌کنند. روحانی و دولتمردان هم تجربه ۳۵ساله کار سیاسی پس از انقلاب را در کارنامه دارند و تاکتیک‌های رقیب را می‌شناسند.

۴ **اصلاح‌طلبان با موقعیت‌شناسی، سازمان رای خود را در اختیار روحانی قرار دادند اما میثاق نانوشته‌ای هم با او دارند که به مطالبات بدنه رای که اتفاقاً از همه افشار جامعه در آن حضور دارند، بازمی‌گردد. از عملکرد وزارت کشور ناراضی هستند. اینکه فرمانداران و استانداران همکاری لازم در نقاط مختلف کشور را انجام نمی‌دهند. به هر حال، اصلاح‌طلبان می‌خواهند وضعیت دولت را برای مردم تبیین کنند اما امکان آن را نیافته‌اند. دولت به**

این می‌اندیشد که نیروهای سیاسی منتقد چه فضایی در اختیار دارند؟

من با کلیت تصمیمات دولت اعتدال موافقم. اما در اجرا حتما انتقاداتی بر آن وارد است. انتظار بیشتری می‌رفت که در سیاست داخلی از چهره‌های اصلاح‌طلب درون نظام استفاده شود، اما طرح زودهنگام قانون احزاب که توسط خود مجلس کلید زده شد و نوعی پیشدستی بود، سبب شد لایحه‌ای که دولت مدت‌ها آن را در معرض نظر احزاب قرار داده و به جاهای خوبی رسیده بود، ناگهان تحت تاثیر قرار گیرد. با این حال، شما دیدید بازهم با همکاری هیات‌رییسه مجلس و نظری که دولت داشت، آن طرح مسکوت ماند و رضایت نسبی سیاستمداران حاصل شد چرا که برخی از بندهای طرح مجلس اساساً ضدحزب و ضعیف‌تر از قانون دهه ۶۰ بود. مسایل سیاست داخلی باید به‌زودی حل می‌شود؛ به‌خصوص اینکه دوانتخابات مهم مجلس شورای اسلامی و خبرگان‌رهبری در پیش است. اگر با این دید کلان به عملکرد دولت نگاه کنیم، در زمینه اولویت‌بندی‌ها به‌درستی عمل کرده است. حتی در ایام ۱۶آذر امسال دیدیم تقریباً نیروهای منتقد توانستند سخن بگویند.

۴ **اما سخترانی مرتضی مبلغ در یکی از دانشگاه‌های شهرستان- با وجود مجوز شورای تامین- چندساعت قبل از برگزاری لغو او ناچار شد در حیاط دانشگاه با دانشجویان سخن گفته و به آنها یادآور شود که باید آرام و تدریجی حرکت کنند و از این محدودیت‌ها، با دقت عبور کنند.**

در سئالات قبلی به‌درستی اشاره کردید که در شهرستان‌ها و شهرهای کوچک، حتماً باید فضا برای فعالیت قانونی بهتر شود. در این زمینه خلا وجود دارد و قابل کتمان نیست.

۴ **توقع این است که برای فعال شدن نیروهای سیاسی حامی دولت، فرمانداران و استانداران در چارچوب قانون تصمیم بگیرند و اگر تشکلی دارای ویژگی‌های قانونی است، اجازه فعالیت‌های مختلف داده شود یا بتوانند در دانشگاه‌ها و در مجامع عمومی جامعه با مردم سخن بگویند.**

حتماً باید چنین شود. امسال را پشت‌سر بگذاریم برای جنب‌وجوش انتخاباتی، نهاده‌ها باید دست‌به‌دست هم بدهند. چشم‌انداز آینده مجلس به سمتی می‌رود که اعتدالیون دوجناح اصلاح‌طلب و اصولگرا بخت بیشتری دارند و «ایستادگی» جبهه پایداری در برابر دولتی که مقبولیت مردمی دارد آن هم به‌خاطر دلپاوسی‌های بی‌جهت در تدبیر امور کشور به، ویژه سیاست خارجی، سبب شده تا به‌تدریج از سوی مردم برتری استوار شود. ایران خانه همه رسانه‌ای آنها توجه کرد. اصلاح‌طلبان هم با تجربه و نیروهای شاخصی که در اختیار دارند همانند یک‌سال‌ونیم گذشته می‌دانند که چه باید بکنند فقط به‌طور حتم دولت باید از کار سیاسی قانونمند حمایت کند و مانع اعمال سلیقه‌ها در این مسیر شود.

۴ **در مورد بدنه حامیان دولت چطور؟ نیروهای سیاسی حامی دولت باید شرایطی داشته باشند تا با گفت‌وگو و دعوت بدنه جامعه به همکاری در بخش‌های مختلف، نشان دهند که آنها صرفاً برای انتخابات مورد استفاده قرار نمی‌گیرند.**

به نظر می‌رسد حمایت موثری که از جانب نیروهای سیاسی حامی دولت صورت گرفت، همچنان پابرجاست و حتی بخشی از آن ۴میلیون که رای دادند بعد از انتخابات و اخیراً در پی موضع‌گیری‌های روحانی می‌گویند ای‌کاش ما هم رای داده بودیم و به نظر می‌رسد در سال۹۶ با رای به مراتب بیشتر از سال۹۲، بازهم به ریاست‌جمهوری انتخاب خواهد شد. در سال‌های گذشته بیشتر کار «جبهه»‌ای با حضور اشخاص محجوری پیش رفته است؛ مدلی مانند انتخابات سال گذشته که آقایان هاشمی، سیدمحمد خاتمی، ناطق و سیدحسن خمینی از دکترروحانی حمایت کردند و مردم هم از حمایت این بزرگان، پشت‌گرم شدند و رای دادند. البته این وضعیت ایده‌آل ما نیست. اینکه چون ما در حزبی به معنای آرمانی آن ضعیف داشته‌ایم، پس این ضعف ادامه پیدا کند و همیشه به کار جبهه‌ای دلخوش کنیم. البته امروز رسانه‌های حرفه‌ای، قدرت خط‌دهی پیدا کرده‌اند چون دیدگاه‌های نخبگان و اصلاح‌طلبان را به مردم می‌رسانند. اساساً اصلاح‌طلبی یعنی سیاست‌ورزی، خوش‌بختانه اقبال جامعه به اعتدال و اصلاحات، یعنی توازن آرمان‌ها و واقعیت‌ها و می‌توان به دستاوردهای آن امیدوار بود. آقای‌دکتر شکوری‌راد به‌خوبی با بیان اینکه دولت در حال آواربرداری است، وضعیت موجود را ترسیم کرده‌اند. در مورد انتخابات آینده هم در موقع خودش می‌توان به‌گونه‌ای تدبیر کرد که وضعیت بهتر شود.

ادامه از صفحه اول

پیرامون یک حکم

تا هم جامعه وکالت از تعرض مصون بماند و هم در مورد خاتم ستوده احقاق حق انجام شود- روزنامه شرق»

آقای علیزاده‌طباطبایی بی‌شک می‌دانند که حق دفاع شهروندان از جمله حقوق بنیادینی است که در قانون اساسی مشروطیت و جمهوری‌اسلامی‌ایران و کنوانسیون‌های بین‌المللی و اعلامیه جهانی حقوق‌بشر تصریح و تضمین شده است و انکار آن از بدیهیات است، آن‌طور که کسی بتواند اصول بدیهی هندسی را انکار کند! نسرين ستوده، به موجب حکم دادگاه انقلاب اسلامی محکوم به شش سال حبس در دادگاه تجدیدنظر استان تهران و ۱۰ سال محرومیت از وکالت و ۱۰ سال ممنوعیت خروج از کشور شد. اصل نهم قانون اساسی به صراحت بیان می‌دارد که «آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است... و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادی‌های مشروع را هرچند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.» از جمله آزادی‌های مشروع، طبق اصل ۲۷قانون اساسی تشکیل اجتماعات و راه‌پیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل به مبانی اسلامی نباشد آزاد است. حتی علیزاده طباطبایی به‌عنوان وکیل دادگستری و عضو غیرموظف هیات‌مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز نیز به صراحت گفته است که «اگرچه تصمیم دادگاه انتظامی وکلا از استدلال و استناد قانونی برخوردار نیست و...» اما این حق مدنی، مشروع و قانونی نسرين ستوده را در توسل به راه‌های قانونی از قبیل تحصن در برابر خانه خود- کانون وکلا- انکار می‌کند و وی را مسؤول هجمه گسترده رسانه‌های خارجی می‌داند. جامعه وکلا از عضو هیات‌مدیره کانون وکلا که خود وکالت پرونده‌ها را در محاکم برعهده دارد، انتظار دفاع از حقوق مسلم، بنیادین و خدشه‌ناپذیر همکار وکالتی خود را دارند.

فراموش نکنیم نسرين ستوده باقیمانده محکومیتش به‌طور عام و مطلق مورد عفو قرار گرفته است. مویدا اینکه طبق صریح ماده۹۸ قانون مجازات اسلامی «عفو همه آثار محکومیت را منتفی می‌کند. لکن تاثیری در پرداخت دیه و جبران خسارت زیان‌دیده ندارد.» در تفسیر قوانین جزایی که باید به‌نفع متهم و ضئیق و محدود انجام پذیرد و مصافا حکم ماده اطلاق دارد، از بدیهیات و مسلمات قانونی و عقلی است که باید به نفع متهم است که از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود. نسرين ستوده به‌عنوان وکیلی که دل‌بسته این خاک و مریزوبوم است برای ایران عزیز، آزادی و آبادی و رفاه می‌خواهد، هرگز به بیگانه چشم ندوخته و تعامل باحکومت‌گران را به گفت‌وگو با بیگانگان ترجیح می‌دهد.

همدیگر را آزار ندهیم، آن‌هم در شرایطی حساس و بغرنج که پیرامون کشور عزیز ما پر از ناامنی و ویرانی و خون و ششتار نیروهای سیاه و ارتجاعی داعش و سایر دشمنان آزادی و سعادت خلق‌های خاورمیانه است....

رمضان حاجی‌مشهدی
وکیل خاتم نسرين ستوده

باور کنید خیلی خوشحالم

... و اگر غصه‌ای داشته باشم آن است که امکان ساختن بسیاری از فیلم‌هایی را که برای ارتقای فرهنگ جامعه‌مان مفید می‌دانستم نیافتم؛ و البته اگر عاملی برای- خوشحالی- من وجود داشته باشد آن است که هنوز نسل جوان به من رجوع می‌کند تا فیلم‌هایی را که بیش از ۴۰سال پیش ساخته‌ام ببینند. نه عزیزان من نه مجذوب- ژانرهای- سینمایی هستم و نه مقهور نام‌های برطمطراق! سینما را زندگی‌م، حدود نهمین‌بار به آن زندگی کرده‌ام و کوشیده‌ام برای هر محتوایی- قالب- مناسب آن را بیایم. فیلم «جزیره رنگین» حاصل اینگونه کوشش‌هاست.

می‌دانم که برگزاکرکنندگان جشنواره فیلم فجر را در مقابل تصمیم‌گیری مشکلی قرار داد- و ممنونم که تصمیم گرفتند آن را در روزهای جشنواره همراه فیلم‌های- بخش مسابقه- به نمایش بگذارند و «باور کنید، خوشحالم!»

نه عزیزان من نه مجذوب- ژانرهای- سینمایی هستم و نه مقهور نام‌های برطمطراق! سینما را آموختم‌ام، حدود نهمین‌بار به آن زندگی کرده‌ام و کوشیده‌ام برای هر محتوایی- قالب- مناسب آن را بیایم. فیلم «جزیره رنگین» حاصل اینگونه کوشش‌هاست.

می‌دانم که برگزاکرکنندگان جشنواره فیلم فجر را در مقابل تصمیم‌گیری مشکلی قرار داد- و ممنونم که تصمیم گرفتند آن را در روزهای جشنواره همراه فیلم‌های- بخش مسابقه- به نمایش بگذارند و «باور کنید، خوشحالم!»